

نویسنده : زولتان گروسمن (Zoltan Grossman).

منبع: کونترپونچ

مترجم: پوهندوی دوکتور سیدحسام (مل)

پایگاه‌های جدید امریکا

New US Military Bases

عوارض جانبی و یا علل جنگ

side effects or causes of war

ایالات متحده امریکا یک دهه بعد از پایان جنگ سرد تحت عنوان حمایت از (حقوق بشر) ، استقرار نظم ، جلوگیری از خشونت و پرخاشگری ، سرنگونی حکومت های استبدادی و توقف تروریسم ، به جنگ در عراق ، سومالی ، یوگوسلاویا و افغانستان پرداخت، بعد از هر مداخله ای ایالات متحده ، هواخواهان و منتقدان به این نکته یکسان عطف توجه نموده اند که من بعد نوبت کدام کشوری خواهد بود؟ که در آن مداخله صورت گیرد ، اما تاحدی زیادی از آنچه که بعد از مداخله چه عواقبی باقی خواهد ماند از جانبی عده ای زیاد اغماض صورت گرفته و یا آنرا نادیده گرفته اند .

بعد از پایان جنگ سرد ، ایالات متحده امریکا در رقابت های اقتصادی به دوبلاک در حال ظهور اقتصادی در اروپا و شرق آسیا مواجه گردید گرچه تصور چنین بود که دیگر در جهان ابر قدرت نظامی وجود نخواهد داشت ولی از آنجاییکه ایالات متحده امریکا نسبت به اتحادیه اروپا و بلوکهای اقتصادی شرق آسیا مثل جاپان ، چین و (چهار ببر) آسیایی به افول و یا کاهش قدرت اقتصادی خویشان را مواجهه دید یعنی از نظر چشم انداز انکشاف اقتصادی نسبت به کشورهای اروپایی آسیایی احساس عقب ماندگی نمود ، دست به مداخلات زد ،

ومداخلات بزرگ وعمده ای امریکا را باید ازسال (1990) دقیقاً تحت مشاهده قرارداد وآن بدین معنا که همچو مداخلات نه تنها بمنظور (پاک سازی قومی قبیلوی) ویا واکنش به خشونت اسلامی بوده بلکه بخاطر تفوق جویی تصویر جدید ازسیاست جیوپولیتیک ان شده میتواند باشد. ازسال (1990) به بعد به هر مقیاس بزرگی که دولت امریکا دست به مداخله زده است بدنبال آن پایگاه جدید نظامی اش را درمنطقه ای که قبلاًهرگز در آنجا جای پای نداشته ایجاد نموده است. اردوی ایالات متحده و ماهران نظامی اش خود این رامیدانند که درکدام بخشی ازجهان بخاطر نفوذ سیاست جیوپولیتیک امریکا درزمان بسیارحساس ازتاریخ باظهور (یروبلاک) و (بلاکین) آنهاهم بمنظور برد اقتصادی اش لنگر بیاندازد. ایالات متحده امریکا همین اکنون بیدون کدام دغدغه و یا سوال به حیث یک ابر قدرت درجهان ما وجود دارد. وبا درنظر داشت همین اصل برتری نظامی بعنوان یک وزنه درمناطق ستراتیژیک جدید در آینده ودر رقابت با رقبای اقتصادی اش بواسطه حمایت نظامی از(بلاک دلار) به ایجاد قطعه خط جغرافیوی بین رقبای اصلی خود تلاش می ورزد.

جنگ برای پایگاه

هرپلان مداخله که توسط ماهران نظامی امریکا طرح ریزی شده طراحان پلان قبل ازهمه دراندیشه ای ایجاد پایگاه نظامی دست بکارشده اند ویا در تامین حقوق پایگاه به عنوان یک نهاد خارجی وآنهم بمنظور حمایت ازجنگ های آینده قدا فرارشته اند ولی بعد از پایان جنگ نیروی های ایالات متحده از محل عقب نشینی نه نموده اند بلکه در آنجا باقی مانده اند واغلباً باعث ایجاد سوءظن وخشم در میان مردم محلی گردیده اند، همانطوریکه اتحاد جماهیر شوروی بعد از آزاد سازی کشورهای اروپای شرقی بعد ازجنگ دوم جهانی درهمانجا باقی ماندند. بناً ایجاد پایگاه های نظامی ایالات متحده امریکا نه تنها محضاً برای کمک به مداخله است بلکه مداخله بخاطر فراهم آوری فرصت های مساعد برای مقرر پایگاه میباشد قابل تذکر است که در واقع پایگاه های جدید در درازمدت نه تنها به خود طراحان جنگ بلکه به دشمنان امریکا نسبت به جنگ حایز اهمیت می باشد. قتل عام در واقعه ای یازدهم سپتمبرمستقیماً به جنگ درخلیج گره نخورده بود، عظمی بن لادن درحمایت از افراطیون دیکتاتورسعودی علیه دیکتاتور سیکولر عراق درجنگ وجدال وضدیت قرارداداشتند وریشه های تصمیمگیری طرح حمله درخود ایالات متحده امریکا در عقب پایگاه درعربستان سعودی

و دیگر کشورهای خلیج اتخاذ شده بود. تمرکز و جا بجا شدن نیروهای جدید امریکا در اطراف بالکان و افغانستان به بسیار اسانی از همین اکنون تا سال های بعدی سیل تروریسم را بوجود خواهد آورد. این چنین نباید گفت که تمام جنگ های ایالات متحده امریکا زده گذشته نتیجه مجموع هماهنگ برخی از توطئه ها و دسایس است، که امریکا را برکمر بند بین بوسنیا و پاکستان مسلط ساخته است، بلکه میتوان این چنین گفت که این مداخلات بعنوان واکنش موقع یا بی ویا دریافت فرصت به وقایع - واشنگتن را برای بدست آوردن جای پای در (وسط زمین) بین اروپا در غرب، از شمال به روسیه و چین از شرق (حوزه تحت نفوذ) وسیع را بدست داده است و سلسله همچو مداخلات شرکتهای کلان و بزرگ امریکا زمینه را برای امریکا مساعد ساخته که عملاً "بر منابع نفت چه در اروپا و چه در شرق آسیا تسلط داشته باشد، موضوع قابل تذکر اینست که همچو فعالیت ها دسیسه و توطئه نبوده بلکه حسب معمول بسنیس و تجارت است.

جنگ خلیج

امریکا برخلاف وعده های اصلی به متحدان عرب اش، بعد از جنگ در خلیج در سال (1991) به ایجاد پایگاه های بزرگ نظامی در عربستان سعودی و کویت پرداخت و بر بنیاد استقرار به اصطلاح تا مین حقوق بشر در کشورهای حاشیه ای خلیج فارس مثل بحرین، قطر، عمان و امارات متحده عربی نیز حضور یافت. این جنگ همچنان به حضور و تقویه ای هرچه بیشتر پایگاه نظامی امریکا در ترکیه مساعدت نمود. و از طرفی این جنگ موضوع به میراث رسیدن نفت از بریتانیا برای امریکا را که انگلستان در اوایل 1970 از عراق خارج گردید بیشتر تکمیل نمود. قابل یادآوری است که ایالات متحده امریکا صرف پنج فیصد نفت مورد ضرورت خود را از خلیج وارد میسازد و نفت متباقی به اروپا و جاپان صادر میگردد، ژان شیراک ریس جمهور سابق فرانسه بدرستی در مورد نقش امریکا به ارتباط نفت در خلیج چنین افاده نموده است: امریکا در منطقه ای خلیج فارس به صفت تامین کننده امنیت برای قدرت های اقتصادی اروپا و شرق آسیا بر منابع نفتی کنترل و نظارت مینماید. تصمیمگیری ایالات متحده امریکا مبنی بر استقرار پایگاههای نظامی دائمی در منطقه اطراف خلیج فارس بعد از سال (1991) نه تنها بمنظور مقابله با صدام حسین و حمایت از ادامه بمب گذاری

در برابر عراق بود بلکه بمنظور سرکوب مخالفان داخلی اش در قلمرو شاهان غنی از نفت و تیل نیز بود .

جنگ سومالیا

مداخله امریکادرسومالیا در سال (1992-1993) باشکست ایالات متحده پایان یافت. ولی آنچه که باید درک شود و خالی ازاهمیت هم نیست، اینست که مداخله امریکادرسومالیاجرادرتحت عنوان به اصطلاح (بشردوستانه) صورت گرفت. در سال های (1970-1980) ایالات متحده امریکا در جنگ سومالی علیه ایتوپیا که ازجانب اتحاد جماهیر شوروی حمایت میگردد از سید باری دیکتاتور سومالیا پیشتانی می نمود وسید باری با لمقابل برای تکوین قوای دریایی امریکا فسمت ازتحت قلمرو اش را عطا نموده بود ، محلی که موقعیت بهتر سترا تیزیکی داشت ، یعنی در اتنهای جنوب دریای سرخ که با کانال سوئز و از آنجا به اوقیانوس هند دریک خط ارتباطی قرارمیگیرد ، بعد ازسرنگونی سید باری درسومالیا هرج ومرج وقحطی بار آمد وامریکا تحت بهانه این وآن ازسومالیا عقب نشینی نمود . ولی اشتباه بزرگی رامرتکب شد وآن اینکه امریکا ازیک گروه جنگ سالاران درجنگ مگدیشو به مقابل گروه جنگ سالارانی که درتحت زعامت محمد آیدید رهبری می شد حمایت وپیشتانی خودرا اعلام وعلیه گروه جنگ سالاران تحت زعامت محمد آیدید بشکل فلم های رومانتیکی (طیاره جنگی سیاه اوک) وهژده نفرسرباز فرستاد که باعث قتل به صدها انسان سومالیایی شد وبعد ازسومالیا خارج شد وپایگاه ناواگان بحری اش را در عدن درنقطه مقابل دریای سرخ درهمان جایکه کشتی جنگی بنام کولی امریکا تحت حملات بن لادن قرار گرفت جابجا ساخت

جنگ های بالکان

مداخلات امریکا در بوسنی در سال (1995) وکوسوودرسال (1999) درظاهر امر واکنش علیه ای صربی ها (پاک سازی قومی) بود ، ولی درعین حال همین ایالات متحده ای امریکا بمنظور جلوگیری از (پاک سازی) مشابهه که بواسطه کرواتاها و البانیایی ها ازمتحدین اش اعمال میگردد مداخله نه نمود . مداخله ایالات متحده امریکا در یوگوسلاویای سابق منجر به ایجاد پایگاه های نظامی جدید امریکا درپنج کشور اعم ازهنگری ، البانیا ، بوسنیا ،

مکدونی و تاسیس کمپ پیچیده ای بوند ستیل (Bondsteel) : برای کارایی به زبان روان انگلیسی گپ زدن و از اقوام صربی ها نبودن شرط اشتغالات بود که برای البانی تبارها این شرایط قید نبود (از مترجم) در جنوب شرق کوسوو گردید . متحدین اتحادیه ای اروپا نیز درین مداخلات با ایالات متحده امریکا شرکت ورزیدند ، ولی نه همیشه به همان اولویت های سیاسی مشابهه انطوریکه در درگیریها و منازعات خلیج و افغان حصه گرفتند ، اشتراک متحدان اروپایی در جنگهای امریکا نه تنها بخاطر آنکه در صورت عدم اشتراک از صف وحدت و همبستگی اخراج میگردند بلکه از ترس آنکه مبدا از برقراری نظم پس از جنگ در منطقه بطور کامل از بیسنیس و تجارت ویا از مارکیت محروم نگردند، بناً مداخله در کوسوو بطور خاص در اثر مساعی اتحادیه اروپا به حیث یک نهاد مستقل نظامی (ناتو) خارج از گوشزد امریکا تسریع گردید. استقرار پایگاه های بزرگ نظامی ایالات متحده امریکا در کنار لبه ای شرقی اتحادیه اروپا که میشود به حیث یک نیروی نظامی اروپایی در پروژه های که در شرق میا نه پیشبینی خواهد شد مورد استفاده قرار گیرد و روزی خواهد رسید که این نیرو به راه خود ، خود خواهد رفت .

جنگ در افغانستان

مداخله ایالات متحده امریکا در افغانستان در ظاهر امر در واکنش به حملات یازدهم سپتمبر و تا حدی بخاطر سرنگونی طالبان بود، ولی بيمورد نخواهد بود که گفته شود و آن اینکه افغانستان از نظر تاریخی در موقیعت فوق العاده مهم استراتیژیک جنوب آسیا ، مرکز آسیا و شرق میا نه قرارداد ، این کشور همچنان در مسیر خط لوله نفت پیشنهادی یونیکال که از دریای خزر به اوقیانوس هند ممکن است امتداد یابد نیز موقیعت دارد. نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا در کشور ازبکستان همسایه (ویکی از جمهوریهای سابق اتحاد جماهیر شوروی) قبل از یازدهم سپتمبر حضور داشت و در طول جنگ با بکاربرد از تامین حقوق بشر در افغانستان ، ازبکستان ، پاکستان ، قرغزستان و کمی بیشتر در تاجکستان از همین پایگاه جدید استفاده شایانی نمود . ایالات متحده امریکا پالیسی بی ثباتی را در افغانستان (همانطوریکه که این سیاست را در سومالی بکاربرد و وسیعاً یک گروه جنگ سالاران را علیه گروه دیگر جنگ سالاران به جنگ و منازعه واداشت) بمنظور حضور دائمی و استقرار پایگاه نظامی اش در منطقه درپیش گرفته است ، و همچنین طرحی را روی دست دارد که میخواهد دل را به حیث

پول رایج افغانی درآورد، رشته ویا بناهای جدید پایگاه های نظامی امریکا در حال تبدیل شدن به پاسگاه گارد دائمی جدید زیرساختهای نفت دریایی خزر است .

چرا جنگ ؟

اولویت های جیو پولیتیک ممکن است توضیح بدهد که چرا واشنگتن با وجودیکه راههای صلح تا هنوز بااست بازهم علیه همه ای این کشورها به جنگ پرداخت ، ریس جمهور بوش درسال (1991) علیه عراق به جنگ از راه زمین پرداخت با وجودیکه صدام حسین بر اساس طرح متارکه که از جانب شوروی پا درمیانی شده بود ، صدام حاضر بود که نیروهایش را از کویت خارج نماید . او همچنان درسال (1992) به سومالیا نیرو فرستاد باوجودی که مساله فحطی را از قبل برای خویش توجیه کرده بود . ریس جمهور کلنتن در سال (1999) علیه صربیه ها بمنظور خارج شدن آنها از کوسووبه جنگ رفت با وجودیکه درهمایش رامبولیت (Rambouillet) در یوگوسلاویا اکثریت آنهایکه از کوسوو آماده خارج شدن بودند آنها را از نزدیک ملاقات و دیدار نمود . جورج بوش در سال (2001) بالای افغانستان تهاجم نمود بیدون آنکه از راه های دیپلوماتیکی بالای طالبان فشار وارد نماید که بن لادن را تسلیم دهند ویا اینکه نیروهای پشتون ضد طالبان را (قوماندان عبدالحق) کمک نماید که طالبان را شکست بدهد ویا برطالبان پیروز شود . واشنگتن که علیه این کشورها به جنگ پرداخت بعنوان اینکه جنگ نه تنها آخرین راه رفت وآمد مکرر نیست بلکه به آن دلیل به جنگ رفت که جنگ را یگانه راهی ویا فرصت مناسب برای رسیدن به مقاصد دورنمایی اش تلقی کرد اولویت های جیوپولیتیک نیز ممکن است به توضیح درظاهر بی میلی امریکا مبنی بر اعلام پیروزی درین جنگ ها کمک نماید ، وآن اینکه اگر امریکا صدام حسین را در سال (1991) از قدرت خلع و سرنگون نمیکرد درآنصورت متحدین خلیج خودرا به عقب نشینی از تقاضاهای شان مبنی بر خروج پایگاه های اش چگونه متقاعد می ساخت . بادر نظر داشت همین توجیهه بغرض تصرف منابع تیل منطقه خلیج و ایجاد رعب متحدین عربی اش به بمباران طولانی بالای عراق پرداخت . یک واقعیت دیگر را که نباید از نظر دور داشت آن اینست : که ایالات متحده امریکا در طول چهار ماه جنگ چرا عظمی بن لادن وملا عمر را دستگیر نکرد نیز یک توجیهه روشن وقابل باور مبنی بر حضور و ایجاد پایگاه های دائمی نظامی ایالات متحده امریکا در آسیای مرکزی وجنوبی است ، پس میتوان گفت که هر سه این افراد به تطبیق طرح

های وسیع دورنمایی ایالات متحده آمریکا مفید بوده و لازم می پندارد که برای مدتی عظمی بن لادن و ملا عمر آزاد و زنده باقی بمانند .

درگیری جنگ

عراق مطمئناً هدف اصلی جنگ های جدید ایالات متحده آمریکا برای ریس جمهور بوش در پایان ماموریت اش بود چونکه پدرش موضوع عراق را ناتمام مانده بود . حال ساحه تحت نفوذ ایالات متحده آمریکا (دروست زمین) بین اروپا و آسیا یی جنوبی میباشد ، که توجه بوش را ممکن هردو یعنی عراق و دشمن سابقه اش ایران احیاناً بعنوان تبدیل شدن شان به یک نیروی در منطقه بخود طوری جلب نمود که مبادا نیروهای مخالف دولت عراق را که همچو اتحاد شمال (افغانستان) ویا ارتش آزادی بخش کوسوو که پیشتیبان ویا طرفدار آمریکا میباشند به زور دست کاری نکنند و به مقابل آمریکا به مخالفت بر نه خیزانند ویا آنها را وادارن سازند . او یعنی بوش همچنان تحت این توهم بوده که تهدیدات اش در برابر ایران اصلاح طلبان ایرانی را کمک خواهد کرد قسمی که همین اکنون قدرت در دست اسلام گرایان خیلی خطرناک در حال رو به تقویه قرار دارد، بهر صورت میتوان گفت که جنگ های ایالات متحده آمریکا چه در مقابل عراق ویا ایران ممکن است باعث از هم پاشیدن ویا تخریب پل های نوساختی گردد که توسط دولت های اسلامی ساخته شده است بخصوص که بوش همچنان بشکل تظاهر ادعای بی طرفی اش را بین اسرائیل و فلسطینیها می نماید طراحان و برنامه ریزان جنگ آمریکا ، سومالی و یمن را بطور آشکار هدف اصلی خویش قرار داده اند و با کشتی های نیروی دریایی خویش در سواحل کشورهای مذکور گشت زنی مینمایند ، آنها ممکن تصمیم گرفته باشند که بصورت غیرمستقیم در آن کشورها مداخله نمایند ، غیر مستقیم بدین معنا که آنها از تکرار مصایب و بدبختی های مگدیشو در سال (1993) واز عدن در سال (2000) میخواهند خود داری نمایند ، نقطه قابل ذکر دیگر این است که عظمی بن لادن در حمایت از آیدید (Aided) برخلاف ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در سومالی بود ، چونکه پدر بن لادن یکی از شورشیان نامی و با نفوذ منطقه تاریخی هدرالموت (Hadhramout) از جنوب شرقی یمن بود و با همین تاریخچه ای در دست داشته بن لادن تاهنوز در همان منطقه در بین مردم محل دارای نفوذ قابل ملاحظه ای است ، که بادر نظر داشت همین مطلب و اشنگتن ترجیح میدهد که از نفوذ بن لادن درین منطقه نه

بکاهد زیرا که ایالات متحده آمریکا با در نظر داشتن اهداف دورنمایی ستراتیژیک اش در نظر دارد که روزی بتواند در بنادر سومالی و یمنی صاحب تسلط عام و تام باشد. مستقیم ترین دخالت دولت ایالات متحده آمریکا از زمان حمله به افغانستان در جنوب فلیپین علیه { (Moro) مورو (مسلمانان) } گروه شبهه نظامی چریکی ابو سیاف میباشد بخصوص هنگامیکه این گروه از بن لادن الهام ویا دستور میگیرند و ایالات متحده آمریکا به آن پی می برد ، آمریکا در عوض گردن کلفتی از دهه شورش مورو در منداناوا (Mindanao) و مجمع الجزایر سولو (Sulu)، نیروهای ویژه آمریکا (مریان) با سربازان فلیپین در منطقه فعال به تمرینات مشترک نظامی می پردازند و هدف از این تمرینات ممکن آن بوده که به آسانی موفقیتی را که در گرینادا بدست آورده بودند و با لای (200) نفر به آسانی موفق گردیده بودند به حیث یک وسیله ای تبلیغاتی جهانی علیه بن لادن آنرا بکار برند، لذا وقتی که در جای خود قرار گرفتند مبارزات ضد شورش به آسانی به ضد مورو (مسلمانها) یا حتا گروه های شورشی کمونیستی را در منداناوا هدایت میدهند و از طرفی این امکان هم ممکن است رخ دهد که ایالات متحده آمریکا به هدف بزرگ دیگری نا یل آید: مثل حق ایجاد دوباره پایگاه های نظامی اش در فلیپین که بعد از ختم جنگ سرد مجلس سنایی فلیپین فسخ این پایگاه ها را اعلام نمود و هم در اثر آتش فشان هردوی پایگاه های نظامی دریایی بنام سوبیک (Subic) و هوایی آمریکا بنام کلارک (Clark) متضرر و تخریب شده بود و در اعاده دوباره آن نیروهای ملی گرایان راست و چپ فلیپین هردو به مقاومت سخت دست زدند بازگشت آمریکا به فلیپین مثل تهدیدات جدید آقای بوش علیه کوریایی شمالی بوده که میتواند تلاشی برای استقرار نفوذ آمریکا در شرق آسیا باشد و آنهم در ارتباط چین که اگر روزی به حیث یک قدرت اقتصادی جهانی تبارز کند و یا کشورهای دیگر آسیایی که اگر از بحران اقتصادی بهبودی قابل ملاحظه یابند پس در این صورت نقش در حال رشد قوای نظامی آمریکا در سراسر آسیا میتواند مقابله ای با افزایش انتقاد از پایگاه های ایالات متحده آمریکا در جا پان باشد و یا به عباره دیگر نقش قوای نظامی آمریکا در سراسر آسیا از انتقادات فزاینده ای مبنی بر موجودیت پایگاه های آمریکا در جا پان خواهد کاست . حرکت این نفوذ تا جمهوری قرغزستان که نزدیک در به دیوار چین است (روسیه را در ترس از تعذیرات که ممکن از جانب آمریکا گرفته شود خواهد انداخت و روسیه در این صورت از طریق ایالات متحده تن در خواهد داد که معاملات تیل اش را

از طریق سازمان اوپک سر و صورت دهد. (خواهد رسید. ایالات متحده امریکا در عین زمان تلاش می ورزد که به اهداف خود در دیگر نقاط جهان بخاطر مبارزه علیه تروریسم نیز برسد ، بخصوص در امریکای جنوبی . روی این منظور این امریکا است که فقط مثل دوران جنگ سرد به طرح تبلیغات علیه شورشیان در ویتنام جنوب و السلوادور بعنوان دست نشانده ها و عروسک ها در ویتنام شمالی و کوبا با استفاده از شعار (جنگ علیه تروریسم) تبلیغات مینماید وبصورت هرچه گسترده تر دامنه تبلیغات را علیه شورشیان کولمبیا همسایه واز متحدین ونزوئلا غنی از نفت دامن میزند ، ریس جمهور ونزوئلا ملبس با کلاه نرم پشمی (قره قل) بصورت آزادانه د لسوزی وسمپتی اش را به بن لادن وکاسترو ابراز داشته ودر توضیحات اش امکانات بازگشت سازمان اوپک را علیه امریکا دور از واقعیت نمی پندارد ، مطلبی را که باید در اینجا خاطر نشان ساخت آن است که بعد از محوه و نابودی بن لادن دشمن جدید ودرجه یک امریکا هوگو چاوز ریس جمهور فعلی ونزوئلا خواهد بود وبحران در امریکای جنوبی که نمیتوان ارتباط آن را با ستیزه جویان اسلامی گیره زد ، چنان بحران خطرناک درگیری جنگ خواهد بود که هیکس تصور آنرا نخواهد کرد .

موضوعات عمومی

چه اگر ما در دهه گذشته به جنگ های ایالات متحده امریکا در خلیج فارس ، سومالیا ، بالکان و افغانستان ویا به امکانات وقوع جنگ های نو در یمن ، فلیپین یا کولمبیا / ونزوئلا ویا قرار اظهارات جدید آقای بوش (محور شرارت) چون عراق وایران وکوریای شمالی نظر افکنیم به موضوعات مشترکی برمی خوریم که مداخلات نظامی امریکا در همه جاها به عطش سیر ناپذیری (عدم اقناع) ایالات متحده گره خورده است یا (بیشتر در صد د سودجویی از نفت) میباشد. چنانچه ریشه های این همه جنگ های نو ایالات متحده امریکا در مزرعه تیل غرس گردیده وتمام پالیسی این دولت به کسب سود از نفت وابسته می باشد بنأ تمام تلاش های ایالات متحده امریکا یا تمایلات وارزوهای امریکا بخاطر دسترسی وکنترول بر منابع نفت با ایجاد ویا اعاده پایگاههای نظامی اش در وابستگی می باشد ویا گره خورده است. واز نظر تاریخی بعد از سال (1980) تغییراتی چندی اقتصادی در عرصه ای جهانی رونما گردیده است : مثل ظهور بلاک ها در اروپا و آسیا با پوتانسیل در حال انکشاف دارد که جاگزین ابر قدرت های اقتصادی جهانی چون ایالات متحده امریکا واتحاد شوروی سابق گردد. از آنجاییکه امپراتوری

روم اقتصاد و سیاست ضعیف اش را از نظر مستعمرات اش مخفی نگهدارد به قدرت نظامی توسل ورزید ، ایالات متحده امریکا به همان منوال وبه شدت هرچه گسترده تر در صد د ستیابی و تسلط بر مناطق دارای منابع نفت و عقب زد ن رقبای سیاسی و اقتصادی اش در منطقه می باشد. هدف ختم (تروریزم) و یا تشویق به (دموکراسی) نمی باشد و بوش نتوانست این اهداف را به پایه ای اکمال برساند ، نقاط قابل تذکر اینست که هدف کوتاه مدت ایالات متحده امریکا جا بجا سازی نیروهای نظامی اش در آن مناطق است که ملی گرایان و یا ناسونا لست های محل از آنجا آنها را رانده بود ، هدف طویل المدت اش اینست که شرکت های بزرگ امریکا بر ذخایر مواد نفتی بحیره ای کسپین و کارایب تسلط و کنترل تام داشته باشند و هدف عاجل و فوری ایالات متحده امریکا ایجاد پایگاه های جدید و گسترش ساحات نفوذ و محوه یا چیدن تمام موانع از راه اش میباشد چه این موانع ملیشای مذهبی ، غیر مذهبی ، ناسیونا لستها ، حکومت مخالف و دشمن و یا حتی اگر متحدین اش هم باشند. شهروندان امریکایی ممکن است مداخله و پایگاه های جدید را بمنظور دفاع از (میهن) و یا تمدید لوله نفت را بخاطر تقویه بنیه اقتصادی امریکا بپذیرند و یا از آن اسقبال به عمل آورند ، اما در صورتیکه همچو ستراتیژی بصورت اشکار خطرات چندی در قبال داشته باشد در آنصورت مردم امریکا این را نیز درک خواهند کرد که رهبری در مسیر پرمخاطره طی طریق میکند که پیامد آن مخالفت های روزافزون جهان را علیه امریکا بار خواهد آورد و ناگزیر در آینده بار ، بار ، واقعه دلخراش همچو یازدهم سپتمبر تکرار خواهد شد .

پایان

زولن گروسمن کاندی دوکتورا در رشته جغرافیه در پوهنتون وسکان سن مید یسن (Wisconsin medison) امریکا. عضو گروه اطلاعات و معلومات جنوب - غرب آسیا می باشد.